

امپراتوری ننگین

آنچه بریتانیایی‌ها به سر هندوستان آوردند

ششی تارور

بهناز عابدی

www.ketab.ir

Tharoor, Shashi	تارور، ششی، ۱۹۵۶-م	سرشناسه:
امپراتوری ننگین: آنچه بریتانیایی‌ها به سر هندوستان آوردند / ششی تارور؛ ترجمه‌ی بهناز عابدی		عنوان و نام پدیدآور:
تهران: نشر قطره، ۱۴۰۰		مشخصات ناشر:
۴۷۰ ص		مشخصات ظاهری:
سلسله انتشارات - ۲۱۹۱. علوم اجتماعی - ۹۰		فروست:
۹۷۸-۶۲۲-۲۰۱-۹۹۴-۵		شابک:
عابدی، بهناز، ۱۳۷۰ - مترجم		شناسه‌ی افزوده:
فیبا		وضعیت فهرست‌نویسی:
Era of Darkness	عنوان اصلی:	یادداشت:
کتاب حاضر از برگردان کتاب به انگلیسی با عنوان «Inglorious Empire: What the British Did to India, 1765-1947» به فارسی ترجمه شده است.		یادداشت:
Imperialism / امپریالیسم		موضوع:
هند - تاریخ - اشغال انگلستان، ۱۷۶۵-۱۹۴۷ م		موضوع:
India-History-British Occupation, 1765-1947		موضوع:
انگلستان - روابط خارجی - هند		موضوع:
Great Britain-Foreign Relations-India		موضوع:
هند - روابط خارجی - انگلستان		موضوع:
India Britain-Foreign Relations-India		موضوع:
عابدی، بهناز، ۱۳۷۰ - مترجم		شناسه‌ی افزوده:
DS ۴۶۳		رده‌بندی کنگره:
۹۵۴ / ۰۳		رده‌بندی دیویی:
۸۶۸۸۰۱۹		شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی:

نشر قطره از برجسب برای تغییر قیمت استفاده نمی‌کند.

تمامی حقوق محفوظ است.

تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان شیخلر، کوچه‌ی بنفشه، پلاک ۸

تلفن: ۸۸۹۷۳۳۵۱-۳

nashr.ghatreh@yahoo.com / ghatrehpub

www.ketab.ir



امپراتوری ننگین

ششی تارور

مترجم: بهناز عابدی

صفحه آرا: ژیلای پی سخن

طراح جلد: مهسا ثابت دیلمی

چاپ اول: ۱۴۰۱

چاپ: ثمین

صحافی: صداقت

شمارگان: ۴۰۰ نسخه

بها: ۱۷۵۰۰۰ تومان

فهرست

۹.....	یادداشت مترجم
۱۳.....	درباره‌ی نویسنده
۱۵.....	سخن نویسنده
۲۹.....	گاه‌شمار
۴۵.....	فصل یکم: غارت هندوستان
۱۰۷.....	فصل دوم: آیا بریتانیا برای هندوستان وحدت سیاسی به ارمغان آورد؟
۱۷۹.....	فصل سوم: دموکراسی، مطبوعات، نظام پارلمانی و حکومت قانون ...
۲۱۱.....	فصل چهارم: تفرقه بینداز و حکومت کن
۲۹۱.....	فصل پنجم: افسانه‌ی استبداد روشنگر
۳۳۵.....	فصل ششم: چرا امپراتوری در بریتانیا ماند؟
۴۳۳.....	فصل هفتم: زندگی آشفته پس از مرگ استعمارگری
۴۵۷.....	کتاب‌شناسی

یادداشت مترجم

استعمار در لغت به معنای طلب عمران و آبادی است. این واژه زمانی بر سر زبان‌ها افتاد که اروپایی‌ها اعلام کردند هدفشان از رفتن به آفریقا، آمریکای لاتین و آسیا، آباد کردن این نواحی و متمدن ساختن مردمان آن‌هاست. تاریخ اما ثابت کرده است که مفهوم لغوی استعمار کجا و مفهوم عملی آن کجا. چون هرزمان استعمار قدم به درگاهی گذاشت، آبادی، از پنجره رخت بست و رفت. اکنون با فرض مفهوم نخست، تاریخ آغاز استعمار را باید از قرن ۱۵ و ۱۶ میلادی دانست که امپراتوری بریتانیا در ۱۵۹۹ با تأسیس کمپانی هند شرقی، پایه‌های سلطه‌ی استعماری خود بر مناطق زرخیز جنوب آسیا را تحکیم کرد و از آن پس، تمامی عملیات استعماری و روابط سلطه‌گرانه را خود با ملل جنوب آسیا از طریق این کمپانی به پیش برد. نفوذ و سلطه‌ی عمیق بریتانیا بر هندوستان، پس از گذشت سه قرن از تأسیس این کمپانی، موجب شد این کشور به عنوان بخشی از امپراتوری بریتانیا اعلام شود و ملکه ویکتوریا به عنوان امپراتریس هندوستان و انگلیس، تاج بر سر نهاد.

این روزگار، دوران نفوذ بریتانیا در شبه‌قاره محسوب می‌شود که در

پوشش روابط اقتصادی و تجارت و بازرگانی، زمینه‌ساز تحقق اصطلاح معروف «هدف، وسیله را توجیه می‌کند» شد تا سیاست حفظ منافع در این سرزمین بدون توقف پیگیری شود. بریتانیایی‌ها گاهی این سیاست حفظ منافع را پشت واژه‌ها و جملات زیبا پنهان می‌کردند، گاهی هم علنی و وقیحانه از آن سخن می‌گفتند، هر جا لازم می‌دیدند از تهدید و حتی نیروی نظامی و زور بهره می‌بردند، به وقت نیاز، رجال و تصمیم‌گیران هندی را به مهره‌ی بازی خودشان تبدیل می‌کردند. در سیاستی همیشگی، هندوستان را بازاری برای کالاهای وطن خود می‌ساختند، سرمایه را از جیب هندی‌ها خارج می‌کردند، به جیب لندنی‌ها می‌ریختند و کوتاه سخن اینکه، هندوستان را از درون تهی می‌ساختند.

سرانجام اما تاریخ خود را به بزنگاه ۱۹۴۷ رساند؛ زمانی که مهاتما گاندی و جواهر لعل نهرو زمینه‌ساز استقلال خاکشان شدند و عصر تازه‌ی پسااستعمار برای هندی‌ها آغاز گردید. بریتانیایی‌ها در این نقطه به پایان استعمار [سنتی] در شبه‌قاره سلام کردند، اما آنچه تا همین امروز برایشان نامیراست، ادعای «عمران و آبادی» هندوستان در سال‌های استعمار است: «ما هندوستان را از افول نجات دادیم.» گزاره‌ای که لزوماً نمی‌تواند صواب باشد، چراکه شاید تاریخ دیگری برای این جغرافیا شکل می‌گرفت، تاریخی شبیه آنچه برای ژاپن رقم خورد. ژاپن هم در مسیر افول بود، اما حاکمان این کشور بدون حضور استعمارگران، اجبار آن‌ها و در غیاب دخالت مستقیمشان مسیر دیگری را در پیش گرفتند: با غرب در حال توسعه پیوند برقرار کردند و از طریق تعامل با این کشورها از آن‌ها آموختند. به راستی، اگر استعمار دویست ساله از صورت تاریخ هندوستان پاک شود، تاریخ از نو نگاشته شود، این ننگین آرمیده در جوار اقیانوس، امروز شانه به شانه‌ی قدرت‌های جهانی می‌سایید یا در حال توسعه بود؟

اکنون شرح آنچه در طول دوسده بر این کهن سرزمین گران سنگ رفت،

توسط ششی تارور، مردی که سال‌ها در قلب سیاست‌ورزی هندوستان زیست کرده، به رشته‌ی تحریر درآمده است. سرگذشتی گردآمده در یک کتاب؛ کتابی که استاد دلسوز و گرانقدرم، دکتر علاء غروی، با آن آشنایم ساخت تا هم بر دانش خود بیفزایم و هم جمعی دیگر را در آگاهی یافتن از روزگار رفته بر شبه‌قاره، شریک سازم. پس، تا همیشه قدردان اویم.

زمستان ۱۴۰۰